

فرشته روشنی، مانی و آموزه‌های او

• ناصر خبازی دولت‌آباد

زردشتی به عنوان دین رسمی کشور و احیای دوباره ایران در برابر انیران روه‌روست. چنین می‌نماید که فعالیت‌ها و تعالیم فرشته روشنی (مانی) بر این روند تأثیر به‌سزایی گذاشته است. تأثیری که بیشتر می‌توان آن را در تغییر و تحول در برخی از سنت‌های دین زردشتی، ایرانیان و پیروان ادیان دیگر نشان داد. در پیام مانی بر کتابت کلام مقدس و آموزه‌های پیامبر تأکید شده است. قطعه نوشته‌ای از کفالایای قبضی بر اهمیت نگارش کلام مقدس تأکید می‌کند. در این قطعه، مانی در ذکر برترهای دین خود بر ادیان متقدم می‌گوید: «دین پیشینیان، تا زمانی که سالاران پاک بر شدند (= درگذشتند)، پس دین شان تحریف شد و نسبت به اندرز و اعمال سست شدند، پس دین من با کتاب‌های زنده به وسیله آموزگاران، خادمان، گرویدگان و نیوشایان و بابیهی (= خرد) اعمال، تا به ابد بپاید.» (متن کتاب، ص ۷۷).

علاوه بر تأکید به نگارش آموزه‌ها، مانی دین خود را متعلق به همه شهرها و مردمان با زبان‌های گوناگون می‌داند. به عبارت دیگر، دین او بر خلاف ادیان پیشین، داعیه جهانی بودن دارد. نظر به این ویژگی او دین خود را بر ادیان دیگر برتری می‌دهد. «دین پیشینیان در یک شهر (و کشور) و به یک زبان بود، پس دین من به همه شهرها و زبان‌ها پیدا باشد و در شهرهای دور آموخته شود.» (همانجا).

به نظر می‌رسد که این دو پیام از مهم‌ترین آموزه‌های فرشته روشنی باشد. آموزه‌هایی که پیش از مانی از سوی هیچ‌یک از پیام‌آوران و سالاران دین بدین صراحت مطرح نشده بود. چنین می‌نماید که تأکید صریح مانی بر این آموزه‌ها باعث پیدایش رنسانس دینی در ایران و جهان باستان شده و برخی از سنت‌ها را که ادیان بر آن تأکید داشتند، تحت تأثیر قرار داده است. از این میان، «سنت شفاهی»، که بر حفظ و نگهداری کلام مقدس به صورت سینه‌به‌سینه تأکید داشت، در ایران



■ فرشته روشنی مانی و آموزه‌های او

■ مهشید میرفخرایی

■ ققنوس، ۱۳۸۳

مانی و رنسانس دینی در جهان باستان

قرن سوم میلادی در تاریخ ادیان از اهمیت شگرفی برخوردار است. این سده از دوران‌های پرتلاطم تاریخ دین در ایران و بل جهان به‌شمار می‌رود. اوایل این سده شاهد ظهور مانی و دوران فعالیت اوست. این حادثه به نوبه خود با تکاپوهای خاندان ساسانی برای استقرار دین

که آن را به صورت شفاهی (= به گفتار) حفظ کنند؟» در جواب آمده است که «به دلایل بسیار، منطقی است که سخن شفاهی زنده را از مکتوب مهم‌تر بدانیم.»^۴

در سالیان اخیر گروهی از دانشمندان و در رأس آنان آندره آس^۵، ایران‌شناس آلمانی، بر این باور بودند که مطالب اوستا برای نخستین بار در زمان اشکانیان و با الفبای پهلوی به نگارش درآمد.^۶ از سوی دیگر جیمز راسل در مقاله‌ای بر جمع‌آوری اوستا در زمان اشکانیان برای جلوگیری از نفوذ مسیحیت به ایران و تهدید یکپارچگی آن پافشارد. از نظر وی این مهم با ظهور علامات پهلوی و نقش آتشکده بر روی سکه‌های پارسی ارتباطی مستقیم داشت و پارتیان نیز خواستند تا بسان جانشینان شان از دیانت زردشتی برای پایداری امپراتوری کمک گیرند.^۷ اما به نظر می‌رسد این حد توجه و اقبال پادشاهان پارسی به دیانت زردشتی خالی از اغراق نیست. اما آس بر این باور بود که متن اوستای اشکانی جزء به جزء و حرف به حرف به طور مکانیکی، بعدها از پهلوی اشکانی به الفبای اوستایی برگردانده شد و این عامل منشأ اختلاف و جدایی‌های دستوری متون کنونی اوستا شد.

بدین دلیل که الفبای پهلوی فقط الفبای صامت داشت و موبدان دوران بعداً گاهی کاملاً بدان نداشتند.^۸ نظراً با تحلیل موشکافانه و دقیق محققان و با بهره‌گیری از تطبیق زبان وداها با اوستا رددش؛ چه در سرتاسر اوستا صورت‌های دستوری فراوانی وجود داشت که از هر لحاظ شبیه و موافق زبان هندی بود. وجود این صورت‌ها نشان می‌داد که نویسندگان و گردآوران اوستا آن را از زمان‌های قدیم از حفظ داشتند.^۹ بنابراین می‌توان گفت که تا زمان روی کار آمدن ساسانیان کتاب مقدس زردشتیان به کتابت در نیامده بود. و این داستان‌ها را از آن‌رو ساخته بودند تا نشان دهند که از زمان خود زردشت تا تألیف متون پهلوی اوستا به صورت مکتوب و مطمئن پابرجا بوده و مردم را به صحت و اصالت مجموعه آثار مذهبی و تعالیم موجود مطمئن کنند.^{۱۰}

با ظهور ساسانیان نیز وضع متحول نشد. بدین دلیل که اقبال خاندان ساسان به آنهایتا، که خود ساسان موبدان آتشکد بود، ظاهراً باعث اختلاف در راست‌کیش زردشتی شد. به طوری که نظریات اردشیر و همدستانش را تمامی ایرانیان قبول نکردند.^{۱۱} پس می‌توان پذیرفت

اهمیت زیادی دارد. بنابراین پیش از پرداختن به تأثیر مانی باید توضیح مختصری درباره این سنت داده شود، تا از این رهگذر تأثیر آموزه‌های مانی در نسانس دین ایران و جهان باستان روشن شود.

اقوام ایرانی برخلاف اقوام ساکن بین النهرین به نگارش کلمات مقدس خود نمی‌پرداختند و فقط آنها را در حافظه خود حفظ و نگهداری می‌کردند. این معنی را عدم وجود ایزدکتابت در ایزدکده ایرانیان و حتی خوشان بلافاصل آنان، هندیان که سرودهای وداها را به طور شفاهی و سینه به سینه حفظ می‌کردند، تأیید می‌کند.^۱ به نظر می‌رسد که ایرانیان بیشتر به ثبت اسناد دولتی، سیاسی و جزآن می‌پرداختند و بقایای چرم نبشته‌ها، کتیبه‌ها و لوح‌ها نیز مؤید این امر است. این سنت در طول سالیان دراز برجامانده و به عنوان سنتی اصیل و محکم تا دوره ساسانیان پایید.

امروز می‌دانیم که اوستا به یکی از زبان‌های ایرانی شرقی^۲ تعلق دارد که اصطلاحاً بدان زبان اوستایی می‌گویند. درباره تاریخ کتابت اوستا نیز به مانند سایر بخش‌های اوستا پژوهی، اتفاق آرا وجود ندارد. متون پهلوی زردشتی که در دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی نوشته شده‌اند، مدعی‌اند که اوستا از روزگاران کهن حتی از زمان خود زردشت مکتوب بوده است. در دینکرد به این مهم سه اشاره شده است. نخست اینکه ویشناسپ پس از قبول دین بهی دستور داد تا سرودهای اوستا بر روی ۱۲۰۰ لوح زرین نگاشته و نگهداری شود. دو دیگر این که اسکندر با شکست دارای دارایان اوستا را سوخت و زنده را برای ترجمه به یونان فرستاد و نهایت اینکه بلاش (؟)، از پادشاهان اشکانی، دستور داد تا اوستا را گردآوری و تدوین کنند.^۳ دلایل بسیار محکمی وجود دارد که اشارات دینکرد را ابطال می‌کند. نخستین دلیل، تناقض‌گویی در خود متون پهلوی است. بدین صورت که در کتاب‌های پهلوی غالباً به موبدانی اشاره می‌رود که اوستا، ترجمه و تفسیر آن را از حفظ می‌خواندند.

علاوه بر این، داستانی نیز در دینکرد ذکر شده است که هرچه بیشتر این موضوع را آشکار می‌کند. داستان بدین قرار است که بخت ماری مسیحی می‌پرسد: «چرا ایزد این دین را به زبان ناآشنای نهفته‌ای به نام اوستایی گفت و برای آن متن و نوشته‌ای کامل نیندیشید. بلکه فرمود



ظهور بودا، زردشت، کنفوسیوس و دیگران را سرآغاز «دوران محوری تاریخ» بدانیم، که در طی آن آدمی از لحاظ روحی و معنوی به معنای راستین آدمی شده و آمادهٔ رویارویی با اندیشه‌ها و مسائل جدید گشته است،^{۱۹} بی‌شک ظهور مانی و دورهٔ فعالیت او را باید دوران تثبیت این معنویت دانست، تثبیتی که به نوبهٔ خود باعث مرزبندی متقابل و دقیق بین ادیان و رقابت شدید آنها شد.

معرفی کتاب

پژوهش‌های صورت گرفته دربارهٔ مانویت در طول سدهٔ گذشته توانسته است بر بسیاری از زوایا و ابهامات موجود در تعالیم مانی پرتو افکند. این مهم با رمزگشایی متون مانوی تورفانی و با قرائت متون قبطلی و نیز با نضج نقد متون تحقیق یافته است. با این حال فهم دقیق و درست تعالیم مانی و به خصوص جهان‌شناسی و مبدأشناسی این آیین مشکل می‌نماید. تقی زاده نیز که ظاهراً بر این امر واقف بود، تعالیم دین مانی را از مشکل‌ترین آموزه‌ها می‌شمرد. احتمالاً مانی و شاگردان او نیز برای تفهیم این معانی به نقاشی متوسل می‌شدند. در عوض خوشبختانه دقت مانویان در استتساخ متون و خوش خطی خاص آنان و علاوه بر آن ابهام کمتر خط مانوی نسبت به خط پهلوی، بسیاری از ابهامات را روشن کرده است. کتاب فرشته‌روشنایی مانی و آموزه‌های او تألیف دکتر مهشید میرفخرایی، که از معدود تألیفات در این زمینه به شمار می‌رود، ظاهراً در راستای معرفی مانی و آموزه‌های او و ترجمه برخی از متون گام برداشته است.

کتاب با مقدمه‌ای کوتاه شروع می‌شود و پس از آن زندگی مانی و رهبری دین به طور خلاصه شرح داده شده است. نویسنده به بحث و تفصیل در زندگی مانی و فعالیت‌های پیروان وی، بعد از مرگ سالار دین تمایلی ندارد این امر باعث شده است که نگارنده رغبت چندانی به استفاده از منابع دست اول نیز نشان ندهد.

در قسمت سوم، آموزه‌های مانی مورد بحث قرار می‌گیرد. آموزه‌هایی همانند «دوبن» و «سه دوره» در دین مانوی و نیز آفرینش انسان و کیهان، محورهای عمده بحث است. نگارنده، داستان آفرینش در مانویت را که به نمایشنامهٔ سه پرده‌ای شباهت دارد به اختصار و ساده آورده است. تهیه جدولی از ایزدان الهیات مانوی برای فهم جریان آفرینش در نوع خود جالب است.

در قسمت چهارم، اصول اعتقادی دین مانی همانند اخلاق و

که اوستا تا زمان ظهور مانی مکتوب نشده بود. با توجه به تأکیدی که مانویت بر کتابت آموزه‌های پیامبر داشت، مانی اقدام به اختراع خطی کرد که برخلاف خط‌های مرسوم واکه‌ها را بهتر نشان می‌داد. او خط پهلوی را که با گذشت زمان پیچیده شده بود از پیرایه‌های موجود کاست و هزوارش‌ها^{۱۲} را کنار نهاد. از املائی تاریخی^{۱۳} کلمات تا حد زیادی صرف نظر کرد و کلمات را همان طور که تلفظ می‌شدند به کتابت درآورد. به نظر می‌رسد که مانی نشانه‌های خط خود را از خط پهلوی گرفته باشد.^{۱۴}

این اقدام مانی در جهت ثبت و کتابت متون مقدس تأثیر عمیقی بر «سنت شفاهی» ایرانیان و نوزایی دینی در ایران و جهان نهاد. از آنجایی که مانی خود را وارث پیامبران پیشین، بودا، زردشت و عیسی می‌دانست، ادعای وی مذهب نو بنیاد و تازه استقرار یافته زردشتی را در ایران به چالش می‌کشاند و بعدها نیز عیسویت آن را به عنوان رقیب خود تلقی کرد.^{۱۵} در مقابل این بحران موبدان دست به کار شده و برای کتابت اوستا اقدام کردند. با وجود این که زبان اوستایی در زمان ساسانیان متروک شده بود، مطالب آن سینه به سینه حفظ می‌شد. موبدان خطی پر علامت برای کتابت اوستا اختراع کردند که به آن «دین دبیره» می‌گویند. آنان کوشیدند تا تجوید صحیح سرودها را از تحریف و بدخوانی حفظ کنند و آیین مزدیسنی را برای مقابله با ادیان صاحب کتاب مجهز دارند.^{۱۶} اما از آنجایی که آیین زردشتی داعیهٔ جهانی بودن نداشت و دین تبلیغی به شمار نمی‌رفت، این اقدام موبدان در مقابل مانویت، عکس‌العملی بیش نبود، عکس‌العملی که بسته به شرایط خاص نشان داده می‌شد.^{۱۷} بدین ترتیب مانی با به چالش کشاندن صحت و اصالت کلمات مقدس ادیان دیگر و با برتری دادن دین خود بر سایر ادیان، به دلیل کتابت آموزه‌ها و نیز جهانی بودن آن، باعث تحول عظیم در دنیای باستان شد. چنین می‌نماید که این دوران مقارن با زمانی است که ادیان دیگر نیز برای کتابت متون مقدس به زبان‌های اصلی و خطوط واکه‌دار اقدام کردند. کتب مانوی تنها فراروی کتاب مقدس زردشتیان قرار نگرفت، بلکه این امر را می‌توان دربارهٔ یهودیان، مسیحیان و گنوسی‌های زمان نیز مشاهده کرد. ادیان جهان باستان در این سده صاحب کتاب شدند و این جنبش تمامی ادیان را دربرگرفت.^{۱۸} بی‌شک در این رنسانس که گردآوری اوستا فقط حلقه‌ای کوچک از این اقدام در حال جریان بود، فرشتهٔ روشنی نقش به‌سزایی دارد. اگر به پیروی از کارل یاسپرس (۱۹۶۹-۱۸۸۳)، متفکر اگزیستانسیالیست،

مراسم دینی و مناسک دین در چندین صفحه شرح داده می‌شود.

اماسه بخش آخر کتاب که در واقع حجم عمده کتاب را در بر می‌گیرد به معرفی آثار مانوی تور فان، معرفی نوشته‌های مانی و مانویان و ترجمه برخی از متون مانوی می‌پردازد. هرچند در اینجا قصد پرداختن به نقد کتاب را نداریم، با توجه به حجم سه بخش آخر کتاب، عنوان «مانی و آثار او» برای این اثر مناسب‌تر می‌نماید.

نویسنده در صفحه ۷۲ کتاب در معرفی آثار ابوریحان بیرونی تنها تاریخ میلادی نگارش آثار را ذکر می‌کند که به جا بود از تاریخ قمری یا هر دو تاریخ استفاده می‌کرد.

در مجموع، کتاب فقط برای آشنایی خوانندگان با دین مانی و تعالیم آن نگاشته شده است، و اقبال چندانی به بحث و نقد نظریات مانی پژوهان نشان نمی‌دهد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. یونانیان نیز که متمدن‌تر می‌نمودند، نسبت به نوشته عنایت چندانی نداشتند. هومر شاعر بزرگ یونانی نیز با اینکه نوشته را می‌شناخت، تمامی مکتوبات را از جهان خویش طرد می‌کرد. او نوشته راشایسته و براننده پهلوانان و اعمال آنان نمی‌دانست.

۲. هرچند زبان اوستا ایرانی شرقی است، هیچ یک از زبان‌های ایرانی شرقی میانه را مانند سعدی، ختنی، بلخی و خوارزمی نمی‌توان دنباله مستقیم و تحول یافته اوستایی دانست.

۳. بنگرید به: کای بار، آسموسن، بویس؛ دیانت زردشتی، ترجمه فریدون وهمن، بنیاد فرهنگ، ۱۳۶۸، ص ۶۹

۴. دینکرد، ۴۵۵ س، ۱۰ به بعد به نقل از تفضلی، احمد تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، سخن، ۱۳۷۸، ص ۱۳
5. Andears

۶. کای بار، آسموسن، بویس، همان، ص ۶۶

7. Russell, James, "Mani and Kartir" Shamanistic Model of their conflict in Acta Iranica, Brill, leiden, 1990, p.182

۸. کای بار، آسموسن، بویس، همان، ص ۶۹

۹. کای بار و دیگران... همان، ص ۷۰

۱۰. برای تفصیل بنگرید به: هوتر، مانفرد: «مانویت در ایران سده چهارم» در سروش پیر مغان، ترجمه سالومه رستم‌پور، به کوشش

کتابیون مزداپور، ثریا، ۱۳۸۱، ص ۸۳۱-۸۳۲

۱۱. برای تفصیل بنگرید به: دریایی، تورج، شاهنشاهی ساسانی،

ترجمه مرتضی ثاقب فر، ققنوس، ۱۳۸۳، ص ۶۰-۶۲

۱۲. هزوارش‌ها در زبان پهلوی کلمات آرای اصلی هستند که به خط پهلوی نوشته می‌شدند ولی معادل پهلوی آن تلفظ می‌شد.

۱۳. املائی تاریخی صورتی از کلمه است که آن کلمه در نخستین بار که به آن خط نوشته شده دارا بوده است.

۱۴. بنگرید به برجیان، حبیب، کتابت زبان‌های ایرانی، تهران، سروش، ۱۳۷۹، ص ۸۰-۸۱

۱۵. برای اطلاع بیشتر درباره رفتار امپراتوران روم و به خصوص سنت آگوستین با مانویت بنگرید به: دکره، فرانسوا، مانی و سنت مانوی، ترجمه عباس باقری، فرزانه روز، ۱۳۸۳، ص ۱۸۱-۱۸۳

۱۶. گویی این تدبیر توسط آذرباد مارسپندان در زمان شاپور دوم

ساسانی صورت گرفته است. زیرا باسیل مقدس از کاپادوکیه در سال ۱۳۷۷ اشاره می‌کند که زردشتیان کتابی ندارند اما دین خود را زبان به

زبان از پدر به پسر حفظ می‌کنند. بنابراین کتابت اوستا بعد از ۳۷۷ صورت گرفته است. احتمالاً آذرباد با اوستای مکتوب گذشته از در اختیار داشتن یک کتاب توانست پیشگام این ادعا باشد که این کتاب

بسیار قدیمی‌تر و بهتر از کتاب‌های مانوی است. برای تفصیل بنگرید به هوتر، همان ص ۸۳۳

برای تفصیل درباره خط اختراعی موبدان بنگرید به:

Baily, H.W. *Zoroastrian Problems in the Ninth-Century Books*, Oxford, 1972, pp.177-194
17. Russel, Ibid, p.184

۱۸. از آنجایی که تفصیل درباره این جنبش و رنسانس در ادیان دیگر، از حوصله این مقاله خارج است و وسعت کار امکان بیشتری می‌طلبد، برای فهم و اطلاع دقیق درباره نحوه شکل‌گیری این جنبش بنگرید به: آلتهایم، فرانتس و روت استیل، تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمه هوشنگ صادقی، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴-۲۱۱.

۱۹. کارل یاسپرس آغاز دوره محوری تاریخ را سال ۸۰۰ ق.م. می‌داند که تا حدود سال ۲۰۰ ق.م. ادامه داشته است. درباره طرح یاسپرس از تاریخ جهان بنگرید به: یاسپرس، کارل؛ آغاز و انجام تاریخ، ترجمه محمدحسن لطفی، خوارزمی، ص ۱۷-۴۱.